پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

شمارهٔ ۳۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۳
صص ۲۲۵-۲۴۷ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 35, Autumn &Winter 2024/ 2025

اعتبار سنجی روایات متعارض «کشی» در وصف صفوان بن‌یحیی

الهام زرین‌کلاه[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲)

چکیده

یکی از شخصیت‌های مهم تاریخ تشیع که از راویان حدیث و اصحاب امام کاظم ﷺ، امام رضا ﷺ و امام جواد ﷺ به شمار می‌آید، ابومحمد صفوان بن یحیی بیاع سابری کوفی است. اگرچه وی از محدثان، فقها و متکلمان معروف زمان خود و همچنین از اصحاب اجماع می‌باشد، در عین حال در ارتباط با شخصیت رجالی او در رجال کشی روایات متعارضی (۵ روایت در مدح و ۱ روایت در قدح) نقل شده که با توجه به جایگاه ویژه صفوان در نقل و نشر تعالیم اهل بیت ﷺ و تبیین فرق انحرافی، ارزیابی این‌گونه روایات ضرورت می‌یابد. از این‌رو، این مقاله با بکارگیری روش کتابخانه‌ای و تحلیل و بررسی اسناد و داده‌ها، به سنجش این‌گونه روایات پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که روایت قدح به دلیل ضعف راویان و عدم اعتبار سند، همچنین تناقض متن آن با سایر روایات کشی، مرجعیت فقهی، وکالت، عدالت و اجماع بر وثاقت صفوان ناسازگار است. حتی اگر سند و متن آن مورد تأیید باشد، بازهم امکان جمع میان این دو دسته روایات وجود داشته و روایت قدح حمل بر تقیه و موقت‌بودن حکم می‌شود.

کلید واژه‌ها: صفوان بن‌یحیی، رجال کشی، روایات، تعارض، مدح، قدح.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران؛ ezarinkolah@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

۱. بیان مسأله

شرایط زمان، نوع زندگی، صفات اخلاقی و اجتماعی اکثر شخصیت‌های سده‌های گذشته، به دلیل فاصله زمانی با ما، به نوعی از پیچیدگی و ابهام برخوردار است. زیرا در آن زمان نسبت به ثبت دقیق وقایع زندگی و شخصیت این افراد، تلاش‌های جدی و شفافی انجام نشده است. با این حال تنها منبع درباره شخصیت‌های تاریخی، اسناد و مدارک به جای مانده از آن زمان است. این مدارک می‌تواند شامل منابع رجالی، تاریخی و روایات منقول از این افراد در متون گوناگون اسلامی باشد. اما رجوع به برخی از این اسناد نه تنها منجر به شناخت ما در این زمینه نمی‌شود، بلکه موجب ابهام گشته و ما را با اختلاف دیدگاه در مورد برخی از این اشخاص مواجه می‌سازد. یکی از این افراد ابومحمد صفوان بن یحیی بیاع سابری کوفی می‌باشد. وی از اصحاب امام کاظم‌علیه‌السلام، امام رضاعلیه‌السلام و امام جوادعلیه‌السلام و از طبقه سوم اصحاب اجماع است. با وجود توصیفات بسیاری که درمورد وی در برخی منابع رجالی آمده و وی را از شخصیت‌های برجسته امامی و از جمله فقها، محدثان و متکلمان زمان خود دانسته‌اند، در عین حال کشی در وصف وی روایات متعارضی نقل کرده که جایگاه رجالی ایشان را مورد تردید قرار می‌دهد. در واقع از یک سو با روایات متعدد منقول از وی در موضوعات گوناگون مواجه‌ایم، از سوی دیگر با توجه به آنچه کشی نقل کرده، صفوان مجروح است.[۱] از این‌رو، نظر به اهمیت این شخصیت در نقل روایات و تأثیر روایات منقول از او بر فهم معارف و متون دینی از یک سو و نقش وی در مبارزه با خطوط و فرق انحرافی موجود در عصر ائمه علیهم‌السلام از سوی دیگر، ضرورت

۱. شایان ذکر است در رجال کشی علاوه بر صفوان، در ارتباط با زرارة بن‌اعین، محمد بن‌مسلم، برید بن‌معاویه و معروف بن‌خربوذ مکی و یونس بن‌عبدالرحمن که همگی از اصحاب اجماع هستند، روایات مدح و ذم وجود دارد. زراره و یونس در مقالاتی که در بخش چکیده به آن اشاره شده، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ارتباط با سایر افراد پژوهش مستقل انجام نشده است. در عین حال با توجه به محدودیت واژگانی، امکان بررسی سایر افراد در این پژوهش مقدور نمی‌باشد و پژوهش مستقل می‌طلبد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

می‌یابد که اولاً مشخص شود صفوان بن‌یحیی در منابع رجالی فریقین چه جایگاهی دارد، ثانیاً روایات متعارض کشی در مورد وی به طور دقیق ارزیابی و معلوم گردد کدام دسته روایات وی در مورد صفوان بر دیگری ترجیح دارد. بر این اساس، این پژوهش، ضمن معرفی صفوان بن‌یحیی و تبیین شخصیت وی در منابع رجالی شیعه و اهل سنت از متقدم تا معاصر، به دنبال حل تعارض روایات مذکور در رجال کشی در این‌باره می‌باشد.

۲. پیشینه

پرداختن به روایات متعارض کشی در جرح و تعدیل راویان حدیثی، در لابلای پژوهش‌های دینی انجام گرفته است. این امر به طور ویژه در کتاب‌های رجالی از گذشته تاکنون، به هنگام معرفی این افراد، دیده می‌شود. در سال‌های اخیر نیز پژوهشگران به این امر پرداخته‌اند. مقالات «ارزیابی راهکارهای حل تعارض در گزارش‌های جرح و تعدیل یونس بن‌عبدالرحمان» نوشته مجید معارف و دیگران به سال ۱۳۹۴ که به حل تعارض روایات کشی در مورد یونس پرداخته، «تحلیل روایات متعارض کشی در جرح و تعدیل ابن‌عباس» به سال ۱۳۹۸ نوشته الهام زرین‌کلاه و دیگران که صرفاً به بررسی روایات متعارض کشی در مورد ابن‌عباس اختصاص یافته، «عوامل اختلاف در گزارش‌های رجالی کشی» تألیف رحیمه شمشیری و مهدی جلالی به سال ۱۳۹۹ که در آن راهکارهای کلی درمورد تمام روایات متعارض کشی با تأکید بر روایات متعارض در مورد زراره ارائه شده، از این نمونه است. اما همانطورکه مشاهده شد در هیچ‌یک از این آثار به حل تعارض این روایات در ارتباط با صفوان آن‌هم با ارزیابی دقیق سند، متن و بررسی زوایای گوناگون آن، انجام نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر ضمن بررسی شخصیت رجالی صفوان در منابع اهل سنت و شیعه، به ارزیابی روایات متعارض در مورد او و ارائه راهکار دراین‌باره پرداخته است.

۳. صفوان بن‌یحیی در منابع رجالی اهل سنت

بررسی منابع رجالی اهل سنت در ارتباط با صفوان نشان می‌دهد که در این منابع،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

اطلاعات قابل توجهی درمورد زمان و مکان تولد، ویژگی‌ها و شخصیت رجالی وی ذکر نشده است. بلکه آنچه در منابع اهل سنت درمورد او حائز اهمیت بوده و به آن پرداخته شده، راویان، اساتید و تألیفاتش است. اطلاعات مذکور در مورد وی به چند منبع محدود می‌شود. نخستین بار در کتاب *الجرح و التعدیل* رازی نام وی به صورت مستقل آمده و معاویة بن‌عمار از اساتید و عیسی بن‌عمر مرادی به عنوان شاگرد وی ذکر شده است. رازی جز این مطلب، توضیح دیگری در مورد صفوان نیاورده است (رازی، ۴۲۵/۴). مورد دیگر در *لسان المیزان* است که در آن ابن‌حجر هنگام توصیف ابراهیم بن‌ابی زیاد کوفی (ابن‌حجر عسقلانی، ۶۲/۱)، ابراهیم بن‌عثمان الخزاز الکوفی ابوایوب (همان، ۸۰/۱) و اسحاق بن‌غالب اسدی کوفی (همان، ۳۶۸) صفوان را به عنوان یکی از راویان این افراد نام می‌برد. وی همچنین ایوب بن‌عطیه الحذاء الأعرج (همان، ۴۸۶/۱) و الجارود بن‌عمرو الطائی کوفی (۸۹/۲) را افراد صاحب کتابی دانسته که صفوان از آن‌ها نقل می‌کند.

منبع بعدی *الفهرست* ابن‌ندیم است. وی در این اثر، با ذکر تاریخ وفات صفوان، بدون هیچ توضیحی تنها از کتاب‌های الشراء و البیع، کتاب التجارات غیر الاول، کتاب المحنة و الوظائف، کتاب الفرائض، کتاب الوصایا، کتاب الآداب، کتاب بشارات المؤمن (ابن‌ندیم، ۲۷۸) را به عنوان تألیفات صفوان نام برده است. زرکلی (۲۰۶/۳) و عمر کحاله (۵/ ۲۰ به نقل از الفهرست ابن‌ندیم، الفهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی) نیز وی را از رجال امامیه و اهل کوفه دانسته و از برخی از کتاب‌های او نام برده‌اند.

اطلاعات مذکور در مورد صفوان به موارد فوق محدود می‌شود. اما آنچه در این منابع حائز اهمیت می‌باشد این است که در همین آثار محدود، قدحی درمورد وی نیامده، این امر می‌تواند دلیل بر اعتبار وی از نگاه صاحبان این منابع باشد.

٤. صفوان بن‌یحیی در منابع رجالی شیعه

صفوان بن‌یحیی، مکنی به ابومحمد البجلی، مولی بجیلة، بیّاع سابری[1]، اهل کوفه و

۱. سابری نام لباس‌هایی است که بسیاری از اصحاب امام صادق‌ؑ و ائمه بعد از ایشان، بزاز و فروشنده آن بوده‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

فقیهی برجسته است. روایات بسیاری از وی در زمینهٔ موضوعات فقهی، اعتقادی (برای نمونه نک. کلینی، ۱۰۷/۱؛ ۶۲/۲؛ صدوق، ۳۱۹/۱؛ ۲۳۱/۱؛ ۳۱۲ و...) تاریخی و ... در منابع حدیثی شیعه بویژه کتب اربعه آمده است. بررسی منابع رجالی شیعه از متقدم تا معاصر، نشان می‌دهد که در این منابع نیز همانند منابع اهل سنت، اطلاعاتی درمورد زمان و مکان تولد وی در دست نیست.

٤-١. منابع رجالی متقدم

نخستین بار نام وی در *رجال* احمد بن‌محمد بن‌خالد برقی در دو قسمت کتاب یکی در شمار راویان امام رضاؑ و دیگری در قسمت روایان امام جوادؑ بدون ذکر هیچ توضیحی، دیده می‌شود (برقی، ۵۵). گذشته از این‌که برقی در ارتباط با او هیچ توضیحی نیاورده، از ذکر صفوان به عنوان راوی امام کاظمؑ هم اجتناب نموده است. این در حالی است که با بررسی دیگر منابع رجالی (نک: نجاشی، ۱۹۷؛ طوسی، الفهرست، ۳۵۹؛ خویی، ۱۳۹/۱۰) و حدیثی مشخص می‌شود که وی از راویان امام کاظمؑ نیز بوده و روایات بسیاری از ایشان نقل کرده است. آیت‌الله خویی در رد گفتار برقی که صفوان را از کسانی می‌داند که در زمان امام رضاؑ رشد نموده و نامی از امام کاظمؑ نیاورده، می‌گوید این مطلب صحیح نیست، زیرا وی روایات بسیاری از امام کاظمؑ روایت نموده است، ضمن اینکه نجاشی، شیخ طوسی و کشی او را در شمار اصحاب امام کاظمؑ آورده‌اند (خویی، ۱۴۰/۱۰).

صفوان نیز یکی از آن‌ها است. از این‌رو، در کتب رجال عبارت «بیّاع سابری» درمورد بسیاری از افراد دیده می‌شود. اما در ارتباط با «سابری»، سید عبدالله جزائری در کتاب تذکره شوشتر نقل می‌کند که؛ سلاطین قبلی که مشغول ساختن سدی در شوشتر بودند به دلیل سختی مخارج، نتوانستند آن را تمام کنند. اما پس از جنگ ایران و روم و غلبهٔ ایران بر شاپور روم، پادشاه ایران تصمیم می‌گیرد به عنوان غرامت جنگی، اتمام سد شوشتر را از پادشاه روم بخواهد. در این راستا وی حتی دستور می‌دهد که خاک لازم جهت ساختن سد را نیز از روم بیاورند... پس از اتمام سد شوشتر توسط رومیان، به دلیل ویژگی‌های ممتاز آب آن، آن‌ها تصمیم گرفتند در آنجا اقامت کنند. این افراد صنایع مخصوصی داشتند که از جمله آن، دیبا است که بعدها به دیبای شوشتری مشهور شد. آن‌ها این لباس‌ها را می‌بافتند و به دیگران نیز تعلیم می‌دادند. لباس‌های سابری در واقع یکی از همان لباس‌های شاپوری است (برگرفته از کتاب جزائری، فصل اول و دوم (کتاب مذکور شماره صفحه ندارد).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

پس از رجال برقی، نام صفوان در *تاریخ آل زراره* به عنوان فردی‌که از ثقات نقل حدیث می‌کند، در زمرهٔ اکابر شیعه و ناقل حدیث حسین بن‌زراره از امام صادق﵇ و در واقع دلیلی بر توثیق حسین بن‌زراره ذکر شده است (زراری، تاریخ آل زراره، ۸۹). وی همچین در کتاب دیگر ابوغالب زراری با عبارت «الجلیل الثقه» مدح شده است (زراری، رسالة فی آل أعین، ۶۷) در این کتاب نیز گزارشی از دوره حیات وی مشاهده نمی‌شود.

بررسی منبع بعدی یعنی رجال ابن‌غضائری (۱۳۷) نشان داد که وی نیز بدون هیچ توصیفی در قسمت فهرست اسماء الاعلام تنها نام صفوان را ذکر نموده است.

پس از آن مفصل‌ترین گزارش در وصف صفوان در رجال نجاشی دیده می‌شود، به گونه‌ای که به ویژگی‌های متعدد وی پرداخته، اگرچه او نیز به تاریخ تولد و مکان زندگی وی اشاره نکرده است. نجاشی در مورد او می‌گوید: «پدرش از امام صادق﵇ و خودش از امام رضا﵇ حدیث نقل کرده و نزد ایشان مقام والایی داشته است». وی صفوان را وکیل امام رضا﵇ و امام جواد﵇ می‌داند[1] و با ذکر عبارت «کانت له منزلة من الزهد و العبادة» او را در زهد و عبادت دارای منزلت والا معرفی می‌نماید.

پایداری در برابر انحرافات و وفاداری به اهل بیت﵈ ویژگی دیگری است که نجاشی ذکر می‌کند. همانطورکه می‌دانیم در دوره‌هایی از زمان ائمه﵈، فرقه‌های انحرافی فعال بودند و تلاش می‌کردند شخصیت‌هایی چون صفوان را جذب کنند، اما او با استواری و وفاداری به امامت اهل بیت﵈ ایستادگی کرد و هیچ‌گاه به دنبال جاه و مقام نبود. نجاشی به این مهم درمورد صفوان اشاره کرده و می‌گوید: «گروهی از واقفیه به وی پول زیادی را اهدا کردند، اما او از مذهب واقفیه سالم ماند».

---

۱. وی کنیه مربوطه را به صورت ابی‌جعفر «و قد توکل للرضا و أبی جعفر﵈» به طور مطلق و بدون هیچ قیدی آورده که در این صورت طبق آنچه در کتب مصطلح‌الحدیث آمده، مراد امام باقر﵇ است. اما با توجه به اینکه زمان حیات صفوان پس از شهادت امام باقر﵇ (م ۱۱۴) می‌باشد، مراد از ابی‌جعفر در این عبارت نجاشی، در واقع ابی‌جعفر ثانی یعنی امام جواد﵇ است (نک: نجاشی، ۱۹۷). این امر در الفهرست شیخ طوسی هم دیده می‌شود، وی با ذکر عبارت «روی عن ابی الحسن الرضا و أبی‌جعفر ﵈»، صفوان را از راویان امام رضا﵇ و ابی‌جعفر دانسته (طوسی، الفهرست، ۱۴۶) که بدون تردید مراد از ابی‌جعفر، امام جواد ﵇ است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

ویژگی بارز دیگر صفوان به نقل از نجاشی، وفای به عهد است. در این‌باره نقل می‌کند که وی با عبدالله بن‌جندب و علی بن‌نعمان همنشین بود. آن‌ها در خانهٔ خدا با هم توافق کردند که اگر هر یک از آنها که بمیرد، دیگری برای او نماز بخواند، روزه بگیرد و زکات بدهد. عبدالله و علی درگذشتند و صفوان باقی ماند. او هر روز ۱۵۰ رکعت نماز می‌خواند، در سال سه ماه روزه می‌گرفت و زکاتش را در سه نوبت پرداخت می‌کرد. علاوه‌بر این برای آن‌ها صدقه می‌داد (نجاشی، ۱۹۷ و ۱۹۸). وی در ورع و عبادت به گونه‌ای مشهور و زبانزد بود که هیچ‌کس از هم‌طبقه‌هایش به پای او نمی‌رسید (همان‌جا).

امانت‌داری شاخصه دیگری است که نجاشی نقل می‌کند. به گونه‌ای که یکی از دوستانش از او خواسته بود که دو دینار را به خانواده‌اش در کوفه برساند. او پاسخ داد که شتر من اجاره‌ای است، صبر کن تا از صاحبش اجازه بگیرم».

از نظر علمی نیز او را شاخص و مورد توجه دانسته و یادآور می‌شود او سی کتاب تألیف کرده که در حال حاضر برخی از آنها همچون کتاب وضو، کتاب نماز، کتاب روزه، کتاب حج، کتاب زکات، کتاب نکاح، کتاب طلاق، کتاب فرائض، کتاب وصایا، کتاب خرید و فروش، کتاب عتق و تدبیر، و کتاب بشارات و نوادر شناخته شده هستند (همان‌جا). همانطور که مشاهده می‌شود تمام این کتاب‌ها در زمینه مسائل فقهی است، از این‌رو، می‌توان گفت وی در این زمینه تخصص ویژه داشته است. از این‌روست که صفوان را فقیه می‌دانند.

نجاشی علاوه بر این در بخش‌های مختلف کتاب خود به هنگام معرفی برخی افراد صاحب کتاب، صفوان را از افرادی دانسته که از آثار این افراد روایت نموده است. این مطلب نیز می‌تواند نشان از اهمیت جایگاه صفوان به عنوان عامل اعتبار این افراد و کتاب‌هایشان باشد. اسماعیل بن‌جعفر جعفی (نجاشی، ۷۱)، ایوب بن‌عطیه (همان، ۲۵۵)، حمزة بن‌عمران (۳۶۵)، زید بن‌یونس (۴۶۲)، ابوالصباح صبیح (همان، ۵۴۰) از این دست افراد هستند.

پس از نجاشی، شیخ طوسی نیز صفوان را با اوصاف «مولی» (طوسی، رجال الطوسی،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

۳۵۹)، «وکیل الرضا»، «الثقه» (همان، ۳۳۸)، «أوثق اهل زمانه عند اصحاب الحدیث و أعبدهم» (طوسی، الفهرست، ۱۴۵) ستوده و او را در شمار اصحاب امام موسی کاظم﵇، امام رضا﵇ (همو، رجال الطوسی، ۳۵۹) و امام جواد ﵇ (همان، ۳۷۹) آورده است. به گونه‌ای که هنگام ذکر وی به عنوان صحابی امام کاظم﵇ از عبارت «صفوان بن یحیی وکیل الرضا و ثقه»، زمانی‌که او را در شمار اصحاب امام کاظم ﵇ آورده، از عبارت «صفوان بن‌یحیی البجلی بیاع السابری: مولی، ثقة، وکیله﵇، کوفی» و هنگام ذکر وی به نام اصحاب امام جواد﵇ هیچ وصفی نیاورده است. وی همچنین در ارتباط با وفای به عهد و امانت‌داری صفوان، همان موارد منقول از نجاشی را ذکر می‌کند (همو، الفهرست، ۱۴۷ و ۱۴۸). و معتقد است وی همچون حسین بن‌سعید، دارای ۳۰ کتاب است و کتب او را به نقل از ابن‌ندیم می‌آورد. در این میان سه کتاب المحنة و الوظایف، کتاب الآداب و کتاب التجارات غیر الأوّل را ابن‌ندیم نام برده که در رجال نجاشی دیده نمی‌شود (طوسی، الفهرست، ۱۴۶).

اقدام دیگری که شیخ انجام داده و در دیگر کتب رجالی دیده نمی‌شود این است که وی سه مورد از طرق روایات خود به صفوان را نیز ذکر می‌کند (همان‌جا). در عین حال او نیز همانند سایرین، از تولد و وفات وی چیزی بیان نکرده است. این درحالی است که نجاشی تاریخ وفات صفوان را سال ۲۱۰ هجری قمری می‌داند (نجاشی، ۱۹۸).

٤-۲. منابع رجالی متأخر

در منابع بعدی همچون *معالم‌العلماء* (ابن‌شهرآشوب، ۹۴/۱)، *خلاصة الأقوال* (علامه حلی، ۱۷۰)، *رجال ابن‌داوود* (۱۱۱)، *تحریر الطاووسی* (عاملی، ۳۰۳)، *منهج‌المقال* (استرآبادی، ۲۲۲/۶)، *مجمع‌الرجال* (قهپایی، ۲۴۰/۳)، *نقدالرجال* (تفرشی، ۴۲۲/۲) و... در ارتباط با دوره حیات اعم از زمان و مکان تولد و ویژگی‌های اخلاقی صفوان جز آنچه نجاشی و شیخ طوسی آورده‌اند، نقل نشده است. البته در این میان ابن‌داوود حلی الفاظ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

«ثقة ثقة» و «عین» و مامقامی (تنقیح‌المقال، ۱۰۱/۱۲) «ثقة الوکیل و الجلیل» را در مدح او ذکر کرده که پیشینیان نیاورده‌اند (ابن‌داوود حلی، همان‌جا). در این میان اردبیلی در *جامع‌الرواة* پس از نقل گفتار نجاشی و شیخ طوسی و ...، به طور مفصل بیان می‌کند که در کتب حدیثی مختلف نام وی در چه باب‌های حدیثی آمده است (اردبیلی، ۴۳۱/۱-۴۲۷).

٤-۳. منابع رجالی معاصر

عملکرد رجالی معاصر در ارتباط با بیان دوره حیات صفوان نیز، همانند متأخران بوده است. به عنوان مثال تستری در قاموس‌الرجال، به ذکر موارد در کتب متقدمان پرداخته است. وی همچنین ذکر این مطلب که وی بدون واسطه از امام صادق﵇ روایت نموده باشد را صحیح نمی‌داند، وی نمونه‌هایی از روایات صفوان در موضوعات گوناگون را نیز بیان می‌کند (تستری، ۵۰۵/۵-۵۱۳).

آیت‌الله خویی نیز از دیگر رجالیان معاصر است که در دو بخش به بررسی صفوان می‌پردازد، یکی تحت عنوان «صفوان» بدون ذکر هیچ توضیح رجالی و دیگری تحت عنوان «صفوان بن‌یحیی» که در این بخش شخصیت وی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. در بخش اول در ابتدا به تفصیل به ذکر مشایخ و شاگردان «صفوان» پرداخته و اینکه در *الکافی*، *تهذیب الاحکام* و *الاستبصار* روایاتی نقل شده که طبق آن وی را از راویان امام صادق﵇ است، صحیح نمی‌داند. بلکه به باور وی صحیح آن است که صفوان با ذکر وسائطی همچون معاویة بن‌عمار و... از امام صادق﵇ نقل روایت نماید. همان‌گونه‌که در مشیخه شیخ صدوق چنین آمده است (خویی، ۱۱۸/۱۰). البته در موارد هم در *التهذیب* و *الاستبصار* نقل روایت صفوان از امام صادق﵇، با واسطه آمده که آیت‌الله خویی به بیان این ابواب می‌پردازد. وی در ادامه پس از بیان موارد متعدد ذکر عنوان «صفوان» در روایات گوناکون، به تبیین این عنوان پرداخته و از بررسی روایات به این نتیجه می‌رسد که مراد از این عنوان به صورت کلی و بدون هیچ کنیه و لقبی در کتب

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

اربعه حدیثی شیعه، همان صفوان بن‌یحیی است، مگر در موارد قلیل که بـر اسـاس راوی و مروی عنه مشخص می‌شود که مراد صفوان بن‌مهران است (همان، ۱۳۰).

اما در بخش دوم که عنوان «صفوان بن‌یحیی» را ذکر می‌کنـد (همـان، ۱۳۴) بـه تبیـین شخصیت رجالی وی پرداخته‌است، وی در این بخش ضمن ذکر مطالـب منقـول در رجـال نجاشی و شیخ طوسی در مورد صفوان، به ذکر راویان و مشایخ وی پرداخته است (همـان، ۱۳۶و۱۳۷).

همانطورکه مشاهده شد غالب منابع شیعی از متقدم تا معاصر به مدح صفوان پرداختـه و گاه نیز وی را به عنوان عامل اعتبار و تأیید دیگر راویان ذکر کرده‌انـد. امـا در میـان ایـن توثیقات، به روایات کشی در رجال خود برمی‌خوریم که برخی در مدح و برخی دیگـر در قدح صفوان است به گونه‌ای که شخصیت و جایگاه او را مورد تردید قـرار مـی‌دهـد. ایـن روایات چنین است:

۵. روایات کشی درمورد صفوان بن‌یحیی

در رجال کشی ۶ روایت درمورد صفوان نقل شده که پنج مـورد آن در تعـدیل و یـک مورد در قدح اوست. از این تعداد روایت کشی، چهار روایت را به نقل از اسـتادش محمـد بن‌قولویه قم ، یک روایت به نقل از محمد بن‌مسعود و دیگری را از عبدالله بـن‌صـلت نقـل کرده است. بررسی انجام شده نیز نشان داد که کشی در مجموع ۴۲ روایت از ابن‌قولویـه در رجالش آورده است. این امر می‌تواند نشان از جایگاه ویژه ابن‌قولویه نزد کشی باشد.

۵-۱. روایات تعدیل

روایـت اول: محمد بن‌قولویه از سعد از یوب بن‌نوح از جعفر ابن محمد بـن‌إسـماعیل از معمّر بن‌خلاد نقل می‌کند: «اسماعیل بن‌خطاب از زکات غلّة خـود مقـداری را بـه صـفوان بخشید (وقتی من آن مقدار را برداشت کردم و بـه امـام رضـاؑ گـزارش دادم)، حضـرت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

فرمود: «رحم اللّه اسماعیل بن‌خطاب بما اوصی به الی صفوان بن‌یحیی و رحم اللّه صفوان، فانّهما مِنْ حزب آبائی﵇ و مَنْ کان مِن حزبنا ادخله اللّه الجنة؛ خداوند اسماعیل بن‌خطاب را به سبب سفارشی که در حقّ صفوان بن‌یحیی کرده است، رحمت کند. و خداوند صفوان را رحمت نماید، چون آنان جزو حزب پدرانم ـ که سلام خدا بر آنان باد ـ هستند و هرکس از حزب ما باشد، خداوند او را داخل بهشت می‌کند» (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۷۹۲/۲).

در این روایت نامی از امام رضا﵇ نیامده، اما از روایات قبل، همچنین آنچه در این روایت نقل شده که گوینده کلام، صفوان را از حزب پدران خود می‌دانسته و آنچه کشی ذیل این روایت درمورد صفوان نقل می‌کند (صفوان بن‌یحیی مات فی سنة عشر و مأتین بالمدینة و بعث إلیه أبوجعفر﵇ بحنوطه وکفنه وأمر إسماعیل بن‌موسی بالصلاة علیه)، چنین برداشت می‌شود که گوینده کلام، امام رضا﵇ است.

روایت دوم: محمد بن‌قولویه از سعد بن‌عبدالله از احمد بن‌محمد بن‌عیسی از مردی از علی بن‌الحسین بن‌داود قمی نقل می‌کند که می‌گوید از امام جواد﵇ شنیدم که صفوان بن‌یحیی و محمدبن سنان را به نیکی یاد می‌کرد و می‌فرمود: «رضی‌الله عنهما برضای عنهما فما خالفانی قطّ؛ خداوند به سبب خشنودی من از آن دو خشنود باشد، چه آن دو هیچ‌گاه با من مخالفت نکردند». «هذا بعد ما جاء عنه فیهما ما قد سمعته من أصحابنا» (همان‌جا).

روایت سوم: محمد بن‌مسعود از علی بن‌محمد از احمدبن‌محمد از فردی از علی بن‌الحسین بن داود القمی نقل می‌کند که می‌گوید از امام جواد شنیدم که از صفوان بن‌یحیی و محمد بن‌سنان به نیکی یاد می‌کرد و فرمود: «رضی‌الله عنهما برضای عنهما، فما خالفانی و ما خالفا أبی ﵇ قط، بعد ما جاء فیهما ما قد سمعه غیر واحد»

همانطورکه مشاهده می‌شود این روایت مشابه روایت دوم است، منتها در آن عبارت «ما خالفا أبی ﵇ قط» اضافه شده است.

روایت چهارم: عبداللّه بن‌صلت می‌گوید: اواخر حیات امام جواد﵇ به حضورش

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

شرفیاب شدم. امام ﷺ فرمود: «جزی اللّه صفوان بن‌یحیی و محمد بن‌سنان و زکریا بن‌آدم عَنّی خیراً فقد وفوا لی؛ خداوند متعال به صفوان بن‌یحیی، محمد بن‌سنان و زکریا بن‌آدم به سبب وفاداریشان نسبت به من، پاداش خیر دهد».

عبدالله می‌گوید مجدد نزد ایشان برگشتم، فرمود: «جزی الله صفوان بن‌یحیی و محمد بن‌سنان و زکریا بن‌آدم و سعد بن‌سعد عنی خیرا فقد وفوا لی» (همان‌جا).

روایت پنجم: محمد بن‌قولویه از سعد از أحمد بن‌محمد از الحسین بن‌سعید از معمر بن‌خلاد از امام‌رضا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «ما ذئبان ضاریان فی غنم قد غاب عنها رعاؤها بأضر فی دین المسلم من حب الریاسة، ثم قال: لکن صفوان لایحب الریاسة. «دو گرگ درنده در گلهٔ بی‌چوپان، به اندازهٔ ریاست‌طلبی در دین یک مسلمان زیان‌بار نیست. سپس فرمودند: اما صفوان، حب ریاست ندارد» (همان‌جا).

علاوه بر روایات فوق، کشی به هنگام معرفی طبقهٔ سوم اصحاب اجماع، صفوان را نیز جزء این طبقه معرفی می‌نماید. عبارت کشی در این‌باره چنین است: «أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء وتصدیقهم وأقروا لهم بالفقه والعلم: وهم ستة نفر آخر دون الستة نفر الذین ذکرناهم فی أصحاب أبی‌عبد الله ﷺ، منهم یونس بن‌عبدالرحمن و صفوان بن‌یحیی بیاع السابری و محمد بن‌أبی عمیر و عبد الله بن‌المغیرة و الحسن بن‌محبوب و أحمد بن‌محمد بن‌أبی نصر و ...أفقه هؤلاء یونس بن‌عبد الرحمن و صفوان بن‌یحیی (همان، ۸۳۰/۲ و ۸۳۱).

همانطور که مشاهده می‌شود صفوان در این طبقه و جزء اصحاب امام موسی کاظم ﷺ و امام رضا ﷺ است. این عبارت نیز بر مدح صفوان دلالت می‌کند. زیرا بر اساس این مطلب، امامیه نسبت به تصدیق منقولات این افراد (که تعداد آن‌ها ۱۸ نفر در سه طبقه – طبقهٔ اول اصحاب صادقین ﷺ، طبقه دوم اصحاب امام صادق ﷺ و طبقه سوم اصحاب امام موسی کاظم ﷺ و امام رضا ﷺ است)، اجماع و به فقیه‌بودن آن‌ها اقرار نموده‌اند.

شایان ذکر است، طبق این عبارت، علاوه بر این که صفوان جزء این طبقه است، از فقیه‌ترین افراد این طبقه نیز محسوب می‌شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

۵-۲. روایت جرح

کشی از «محمد بن‌قولویه از سعد از أحمد بن‌هلال از محمد بن‌إسماعیل بن‌بزیع» از امام جواد﵇ نقل می‌کند که ایشان صفوان بن‌یحیی و محمد بن‌سنان را لعن کرده و می‌فرمود: «انهما خالفا أمری، قال: فلما کان من قابل، قال أبوجعفر﵇ لمحمد بن‌سهل البحرانی: تول صفوان بن‌یحیی ومحمد بن‌سنان فقد رضیت عنهما؛ آنان از فرمان من سرپیچی کردند، اما وقتی یک سال گذشت، ایشان به محمد بن‌سهل بحرانی گفت: سرپرستی امور صفوان و محمد بن‌سنان را به عهده بگیر (بر آن‌ها ولایت کن)، زیرا من از آن‌ها راضی گشتم».

۶. موضع رجالیان شیعه در ارتباط با روایت جرح

بررسی‌ها نشان داد رجالیون یا به طور کلی به روایات کشی در مورد صفوان نپرداخته‌اند، یا صرفاً به نقل آن کفایت نموده و یا اینکه پس از نقل، مورد ارزیابی قرار داده‌اند. اما نکته مهم‌تر آن است که جز تنها روایت کشی که در نقد صفوان آمده، هیچ مطلب دیگری در نقد وی نیست. این امر خود نشان از جایگاه صفوان در میان رجالیان شیعه است.

شایان ذکر است در این میان رویکرد افراد نسبت به نقل دیدگاه کشی درمورد اصحاب اجماع بودن صفوان نیز متفاوت است؛ به گونه‌ای که نجاشی، شیخ طوسی، منتجب‌الدین، ابن‌شهرآشوب، هیچ اشاره‌ای در این مورد نداشته‌اند. این در حالی است که ابن‌داوود (۲۰۹)، علامه حلی در *خلاصة‌الأقوال* (حلی، ۱۷۰)، استرآبادی در *منهج‌المقال* (۲۲۹/۶)، تفرشی در *نقدالرجال* (۴۲۴/۲) و ... آن را بیان کرده‌اند.

۶-۱. عدم ذکر روایت جرح

همانطور که بیان شد موضع‌گیری‌ها درمورد روایت کشی در قدح صفوان در رجال شیعه متفاوت است؛ برخی همچون نجاشی، شیخ طوسی، صاحب فهرست منتجب*الدین* (م۵۸۵) و *ابن شهر آشوب* (م۵۸۸)، ابن‌داوود (۲۰۹)، تفرشی (۴۲۳/۲) به روایت مذکور

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

هیچ اشاره‌ای نداشته و در این خصوص سکوت کرده و مطلبی ذکر نکرده‌اند. گویی این روایت را ندیده‌اند و همگی به اتفاق در خصوص مدح او سخن گفته‌اند. شاید بتوان گفت علت این امر آن است که از نظر این افراد وثاقت صفوان به اندازه‌ای آشکار است که نیازی به ذکر چنین روایتی و بررسی آن نیست. شایان ذکر است این افراد حتی روایات مدح کشی را نیز نیاورده‌اند.

برخی دیگر همچون علامه حلی در *خلاصة الاقوال* از میان روایات کشی، هنگام توصیف صفوان، تنها روایت پنجم در مدح وی را آورده است و هیچ اشاره‌ای به سایر روایات و نیز روایت قدح نکرده است (نک: حلی، ۱۷۰و ۱۷۱). در عین حال هنگام توصیف عبدالله بن‌صلت روایت چهارم[1] را ذکر کرده، اما هیچ نظری درمورد آن بیان نمی‌کند (همان، ۳۰۲)، این درحالی است که هنگام توصیف اسماعیل بن‌الخطاب روایت اول مدح را ذکر و به دلیل عدم اثبات صحت یا بطلان چنین خبری، بر آن توقف نموده و می‌گوید: «و لم یثبت عندی صحة هذا الخبر و لا بطلانه، فالأقوی الوقف فی روایته» (علامه حلی، ۵۷).

برخی دیگر همچون صاحب *التحریر الطاووسی* روایت اول، دوم، سوم و چهارم کشی را آورده و با توقف در مورد جعفر بن‌محمد بن‌اسماعیل در روایت اول که در مورد او نه تزکیه‌ای یافته و نه قدح، در حدیث تردید نموده است (عاملی، ۳۲۷ و ۳۲۸) وی در ارتباط با روایت چهارم هم می‌گوید: این روایت با این سند به دلیل ضعیف طریق عبدالله‌بن صلت، غیر قابل اعتماد است. وی به روایت قدح نیز اشاره کرده و در مورد آن چیزی بیان نکرده، اما در ادامه بلافاصله عبارت کشی در مور اصحاب اجماع را می‌آورد که این امر می‌تواند بیانگر موضع او نسبت به این روایت باشد (همان‌جا).

۶-۲. ذکر روایت قدح و بررسی آن

برخی دیگر از رجالیان نه تنها این روایت، بلکه همه روایات منقول از کشی در مدح

---

۱. نکته جالب توجه این است که علامه حلی روایت چهارم را از قول شیخ طوسی ذکر کرده، نه کشی. این درحالی است که سایر روایات را از قول کشی آورده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

صفوان را بیان کرده‌اند. استرآبادی از این دست افراد است. وی همه روایات را ذکر کـرده و در مورد روایت قدح بیان می‌کند: «همین‌که در سند این روایت احمد بن‌هلال آمده در طعن به این روایت کافی است. ضمن اینکه در انتهای همین روایت رضایت و امر به موالات پس از آن بیان شده است». استرآبادی وجود چنین روایاتی هرچنـد معتبـر در قـدح صـفوان و افراد دیگری همچون زراره، فضل بن‌شاذان و... را به دلیل دفع شـر از آنـان مـی‌دانـد. وی می‌گوید دلایل دیگری نیز در این‌باره وجود دارد، اما به ذکر آن دلایل نمـی‌پـردازد (نکـ : استرآبادی، ۲۳۰/۶).

در این میان آیت‌الله خویی مفصل‌تر از سـایرین بـه ایـن مهـم پرداختـه و آن را مـورد ارزیابی دقیق‌تری قرار داده است. همانطورکه بیان شد وی ذیل عنوان «صفوان بـن‌یحیـی» به تفصیل شخصیت وی را تبیین و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. وی در ادامه با ذکـر همهٔ روایات کشی در مدح و قدح صفوان، با ذکر دلیل، از جمله ضعف سندی به رد روایـت قدح می‌پردازد (نکـ : خویی، ۱۳۷/۱۰-۱۱۸).

۷. دلایل دال بر ضعف روایت قدح

با توجه به آنچه بیان شد مشخص می‌شود روایات مدح در وصـف صـفوان بـر روایـت قدح ترجیح دارد. با استناد با ادله رجالیان و بررسی‌های دیگر که انجام دادیم، ادله ذیل در نقد این روایت بیان می‌شود:

۷-۱. بررسی سندی

۷-۱-۱. ضعف سندی

با بررسی راویان مذکور در سند این روایت (محمد بن‌قولویه- سعد بن‌عبدالله اشـعری- أحمد بن‌هلال- محمد بن‌إسماعیل بن‌بزیع)، در منابع رجالی مشاهده می‌شود که بـا وجـود توثیقاتی‌که در وصف سعد بن‌عبدالله ذکر شده، اما در ارتباط با روایت منقول از وی که بیان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

می‌کند با امام حسن العسکری﵇ دیدار داشته، شبهاتی وارد شده به گونه‌ای که برخی همچون نجاشی(۱۷۷) پس از توثیق سعد، بیان می‌کند که برخی اصحابمان ملاقات سعد با امام﵇ را تضعیف نموده و این خبر را جعلی و غیر واقعی می‌دانند. شیخ طوسی نیز در رجال خود در مورد سعد می‌گوید «وی معاصر امام حسن العسکری﵇ بود و من نمی‌دانم که وی از آن حضرت روایت کرده باشد» (طوسی، رجال، ۴۳۱). تستری در *قاموس‌الرجال* نیز به تفصیل به این روایت و سند آن پرداخته و گفتار نجاشی را تأیید می‌کند (تستری، ۶۰/۵).

راوی بعدی این سند احمد بن‌هلال عبرتائی بغدادی معروف به احمد بن‌هلال کرخی است که وی نیز مورد جرح واقع شده است. توضیح آنکه؛ وی نیابت محمد بن‌عثمان از جانب امام زمان﵇ را انکار نموده و خود مدعی نیابت بوده است (طوسی، الغیبة، ۳۹۹). نجاشی او را صالح‌الحدیث دانسته و متذکر می‌شود که در بین احادیث او روایات خوب و نادرست وجود دارد (۸۳). ابن‌غضائری در مورد روایات او به طور کامل توقف نموده(۱۱۲) و شیخ طوسی نیز او را غالی می‌نامد (رجال الطوسی، ۳۸۴). وی همچنین علاوه بر این، او را با عبارت «متهماً فی دینه» (همو، الفهرست، ۸۳) تضعیف نموده است. علامه حلی نیز متذکر می‌شود که روایات او نزد ما غیر مقبول است (حلی، ۲۰۲).

در ارتباط با سایر راویان این سند، در کتب رجالی قدحی مشاهده نشد. از این‌رو، با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت روایت مذکور به لحاظ سندی ضعیف بوده و اعتبار آن محل تردید است. برخی رجالیان همچون استرآبادی هم وجود هلال در این روایت را، در رد آن کافی دانسته است (نکـ : استرآبادی، ۲۳۰/۶).

۷-۱-۲. ترجیح روایات اکثر بر اقل

همانطورکه بیان شد در ارتباط با توصیف صفوان در رجال کشی ۵ روایت در مدح و ۱ روایت در قدح آمده، از این نظر، با استناد به معیار ترجیح روایات اکثر بر اقل، روایات مدح راجح است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

۷-۲. بررسی متنی

بررسی روایت قدح نشان می‌دهد که متن آن با دیگر روایات کشی، روایات منقول در مورد صفوان در منابع دیگر و همچنین آنچه درمورد جایگاه وی نزد ائمه علیهم‌السلام ذکر شده، تعارض دارد که در ادامه بیان می‌شود:

۷-۲-۱-۱. تعارض با سایر روایات کشی

یکی از دلایل در رد روایت قدح، این است که این روایت با سایر روایات منقول از کشی تناقض دارد. این روایات چنین است:

۷-۲-۱-۲. تعارض با روایات کشی در مدح صفوان

همانطور که قبلاً ذکر شد، کشی در ۵ روایت به مدح و تعدیل صفوان پرداخته است. به این صورت که؛ طبق روایت اول مدح که امام علیه‌السلام صفوان را در حزب اهل بیت علیهم‌السلام و بهشتی دانسته، مشخص است که وی مورد عنایت ویژه امام رضا علیه‌السلام بوده است. بر اساس روایت دوم و سوم که امام جواد علیه‌السلام بیان می‌کند وی هیچ‌گاه با امر ما مخالت نکرده و از لفظ «قط» استفاده نموده، حاکی از آن که وی همواره تحت ولایت و تسلیم محض اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. در روایت چهارم وی به دلیل وفاداری به ائمه علیهم‌السلام مورد دعای امام جواد علیه‌السلام قرار گرفته و در روایت پنجم به عنوان یک فرد زاهد و با تقوا که به دنبال حب دنیا نیست، معرفی شده است. از این‌رو، فردی‌که از نظر اهل بیت علیهم‌السلام با تقوا، زاهد، تسلیم محض، وفادار و هم حزب ایشان بوده، چگونه ممکن است مورد لعن ایشان قرار گیرد. بویژه اینکه در روایت دوم و سوم عدم مخالفت صفوان با امر امام علیه‌السلام، همیشگی دانسته شده است.

۷-۲-۱-۲. تعارض با روایت کشی درمورد مرجعیت فقهی صفوان

علاوه بر ۵ روایتی که کشی در مدح صفوان آورده، در روایتی دیگر نیز صفوان را در حوزه مسائل فقهی مورد رجوع دانسته است. در این روایت چنین آمده که عبدالله بن‌محمد بن‌عیسی اسدی ملقب به بنان می‌گوید: «وارد مسجد کوفه شدیم، محمد بن‌سنان به ما نگاه کرد و گفت: «من کان یرید المعضلات فإلیّ و من أراد الحلال و الحرام فعلیه بالشیخ، یعنی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

صفوان بن‌یحیی» (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۳۸۰/۲). این روایت نشان می‌دهد که صفوان در مسائل مربوط به حلال و حرام مرجعیت داشته است. همانطور که می‌دانیم مرجعیت داشتن در مسائل مربوط به دین، آنهم احکام فقهی که از اهمیت بالایی برخوردار است، نیازمند مورد تأیید و اعتماد بودن می‌باشد. از این‌رو، روایت قدح با این روایت نیز در تعارض است.

۷-۲-۱-۳. تعارض با عبارت کشی درمورد افقه بودن صفوان:

کشی به هنگام ذکر اصحاب فقیه امام موسی کاظم‌علیه‌السلام و امام رضاعلیه‌السلام، بیان می کند که صفوان بن‌یحیی از اصحاب اجماع بوده و او و یونس بن‌عبدالرحمن از فقیه‌ترین آن‌ها هستند (همان، ۸۳۱/۱). این عبارت نشان می‌دهد که وی نه تنها فقیه بوده، بلکه جایگاه فقهی وی از سایرین نیز بالاتر بوده است.

۷-۲-۲. تعارض با مأموریت امام علیه‌السلام درمورد صفوان:

در روایتی به نقل از محمد بن‌عیسی یقطینی از امام رضا علیه‌السلام چنین آمده که امام‌علیه‌السلام به ایشان امر می‌نماید که صفوان را به عنوان شاهد در مسأله طلاق به کارگیرد (همو، التهذیب، ۴۰/۸؛ الاستبصار، ۲۸۰/۳). همانطورکه می‌دانیم از ضروریات مذهب تشیع این است که شاهد طلاق، عادل باشد. از این‌رو، می‌توان گفت این سخن امام، دلالت بر عدالت صفوان و مورد اعتماد بودن وی نزد ایشان است. آیت‌الله خویی ضمن ذکر این مطلب، روایت منقول از امام رضا علیه‌السلام در این‌باره را صحیح می‌داند (خویی، ۱۳۹/۱۰).

روایت قدح با این روایت نیز در تعارض است.

۷-۲-۳. تعارض با اصحاب اجماع بودن صفوان

همانطورکه بیان شد تعبیر اصحاب اجماع در ارتباط با ۱۸ نفر از اصحاب ائمه‌علیهم‌السلام اولین بار توسط کشی به کار رفته و رجالیان پس از او نیز این عبارت را نقل کرده و بر آن صحه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

گذاشته‌اند. این‌که صفوان در زمره طبقه سوم از اصحاب اجماع می‌باشد، نیز بر وثاقت و مورد تأییدبودن او دلالت دارد. شایان ذکر است وی نه تنها از اصحاب اجماع بوده، بلکه در میان اصحاب اجماع نیز به همراه زراره، جمیل بن‌دراج، یونس بن‌عبدالرحمان از بقیه متمایزتر و شاخص‌تر بوده است. این مسأله نیز با مجروح بودن وی همخوانی ندارد.

۷-۲-٤. تعارض با دادن وکالت به صفوان از سوی ائمه علیهم‌السلام

دلیل دیگر در رد روایت قدح، این است که صفوان وکیل خاص امام رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام بوده است. زیرا کسی‌که وکیل فرد دیگری می‌شود، به این معناست که آن فرد به او اعتماد کامل داشته که وی را وکیل خود قرار داده است. بسیاری از رجالیان و محدثان به این مهم تصریح نموده و داشتن وکالت از سوی امام را به معنای وثاقت دانسته‌اند. علامه حلی در خلاصه الأقوال در بخشی با عنوان «فی من اعتمد علیه» نام وکلای ائمه علیهم‌السلام آورده که می‌توان گفت به نوعی مبتکر این نظریه محسوب می‌شود (حلی، خلاصه الاقوال، ۴۵). شیخ حر عاملی نیز تعبیر وکیل برای راوی را مقتضی وثاقت و بلکه والاتر از آن می‌داند (حرعاملی، ۱۱۴/۲۰). مامقامی نیز تصریح می‌کند که یکی از اسباب مدح، داشتن وکالت از ناحیه امام علیه‌السلام است. زیرا محال است که امام علیه‌السلام فرد غیر عادل را به ویژه در حقوق الهی، برای وکالت خود برگزیند (مامقامی، مقباس‌الهدایه، ۱۳۰).

از این‌رو، با توجه به آنچه بیان شد، وکالت داشتن با نافرمانی‌کردن همخوانی ندارد.

۷-۲-۵. تعارض با کثرت راویان صفوان

یکی از دلایلی‌که پذیرش روایت قدح را محل تردید قرار می‌دهد، این است که در منابع رجالی شاگردان و راویان بسیاری برای صفوان (بالغ بر ۶۰ نفر) ذکر شده است. آیت‌الله خویی به تفصیل این افراد را ذکر کرده است (نک: خویی، ۱۰/ ۱۳۶ و ۱۳۷). این امر یعنی کثرت راویان، مشمول قاعده مشهور رجالی «کثرة الرواة عنه تدل علی جلالته» خواهد بود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

بر اساس این قاعده، یکی از معیارهای اعتبار، جلالت و وثاقت راوی این است که وی راویان بسیاری داشته باشد. این قاعده توسط برخی از بزرگان رجالی مانند علامه حلی در کتاب «خلاصه الاقوال» (حلی، ۲۵/۱) و نیز شهید ثانی در «منتقی‌الجمان» (۱۶/۱) مطرح شده است. همچنین شیخ آقا بزرگ تهرانی (۳۰۷) و برخی دیگر از متأخران آن را بیان کرده‌اند. در منابع معاصر، آیت‌الله سبحانی نیز در آثار رجالی خود به این قاعده اشاره و آن را از معیارهای وثاقت راوی دانسته است.

۷-۲-۶. تعارض با نحوهٔ عملکرد صاحبان کتب اربعهٔ حدیثی در ارتباط با صفوان

دلیل دیگر در رد روایت قدح، این است که در کتب اربعهٔ حدیثی شیعه که به عنوان معتبرترین منابع حدیثی شیعه محسوب می‌شوند، بالغ بر ۳ هزار روایات از وی نقل شده که غالب این روایت نیز در حوزهٔ موضوعات فقهی است. واضح است که نقل این تعداد حدیث آن هم در اصلی‌ترین منابع روایی، به ویژه در ذکر موضوعات فقهی که پذیرش آن نیاز به دقت و بررسی مضاعف دارد، نشان از اعتماد صاحبان این کتاب‌ها به صفوان و وثاقت اوست.

از این‌رو، با توجه به آنچه گفته شد، روایت قدح از نظر متن و سند ضعیف بوده و مورد اعتماد نخواهد بود.

شایان ذکر است حتی اگر دلایل مذکور در ضعف این روایت و ترجیح روایات مدح را در نظر نگیریم و به فرض محال، متن و سند آن را صحیح بدانیم، باز هم می‌توان تعارض میان روایات مدح و روایت قدح را برطرف نمود. که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۸. راهکار جمع میان روایات مدح و قدح

۸-۱. حمل بر تقیه

یکی از راهکارهایی که می‌توان در حل تعارض میان این دو دسته روایت ارائه داد، حمل روایت قدح بر تقیه است. زیرا بررسی‌ها نشان می‌دهد فضای سیاسی- اجتماعی سه سده نخست هجری در بسیاری از زمان‌ها، به گونه‌ای بود که اقتضاء می‌کرد ائمه علیهم‌السلام و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

اصحاب ایشان در این خصوص مواردی را رعایت نمایند. این تقیه گاه در برابر عمال حکومت و گاه نیز در برابر برخی اصحاب که به نوعی با حکومت در ارتباط بوده‌اند، وجود داشته و عدم رعایت تقیه در ارتباط با این افراد، موجب می‌شد که جان اصحاب ائمه علیهم‌السلام در دستگاه حکومت به خطر افتد. از این‌رو، می‌توان گفت یکی از دلایل صدور چنین روایاتی‌که در رجال کشی هم نقل شده، تقیه است. آیت‌الله خویی در این خصوص بر این باور است که روایت قدح درمورد صفوان را باید حمل بر تقیه نمود، همان‌گونه که روایات وارده در ذم زراره را به تقیه حمل کردیم یا علم به آن را به خود امام علیه‌السلام برگردانیم. زیرا مقام صفوان نزد امام علیه‌السلام از چنان جایگاهی برخوردار است که امام هرگز او را لعن نمی‌کند. وی در تأیید این گفتار یکی از روایات مدح کشی که می‌گوید او هرگز با امام علیه‌السلام مخالفت نکرده است، را بیان می‌کند (خویی،۱۰/۱۳۹). استرآبادی (۶/۲۳۰) نیز به این دلیل استناد کرده و از آن با عنوان «دفع شر از صحابی امام» یاد کرده است.

۸-۲. موقت‌بودن حکم ابتدایی روایت قدح

دلیل دیگر در جمع میان روایت قدح و روایات مدح این است که حکم مذکور در روایت قدح را موقتی بدانیم. این مطلب از خودِ روایت قدح برداشت می‌شود. زیرا امام علیه‌السلام در این روایت، پس از لعن صفوان با گذشت زمان، در ادامه به محمد بن‌سهل بحرانی می‌فرماید: «تول صفوان بن‌یحیی ومحمد بن‌سنان فقد رضیت عنهما». از این‌رو، طبق این روایت، اگرچه امام علیه‌السلام در ابتدا از وی ناراضی بوده و او را لعن نموده، اما در نهایت با گذشت زمان، این ناراحتی از میان رفته و امام علیه‌السلام از او راضی گشته است.

۹. نتایج مقاله

بررسی شخصیت رجالی صفوان بن‌یحیی در منابع رجالی فریقین منجر به نتایج ذیل شد:

۱. در منابع رجالی شیعه و اهل سنت هیچ اطلاعاتی در مورد زمان تولد صفوان وجود ندارد.

۲. بررسی کتاب‌هایی که نجاشی به عنوان تألیفات صفوان نام برده، نشان می‌دهد که

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

تخصص اصلی وی در زمینهٔ فقه بوده است. افقه‌بودن و مرجعیت فقهی او طبق روایات، مؤید این گفتار است، اگرچه با توجه آنچه در منابع دینی از وی نقل شده، در حوزهٔ کلام نیز تبحر داشته است.

۳. در رجال کشی ۶ روایت درمورد صفوان آمده که ۵ مورد در مدح و یک مورد در جرح وی است.

۴. بررسی شخصیت صفوان نشان داد که تنها روایت در قدح صفوان، فقط همان است که کشی نقل کرده و به جز این روایت، حتی یک مطلب که منجر به تردید در شخصیت و جایگاه وی شود، وجود ندارد. این امر خود نشان از جایگاه ویژهٔ صفوان در نگاه عالمان دینی است.

۵. در تقابل روایات تعدیل و جرح، روایت قدح به دلیل ضعف برخی راویان، قلت در برابر کثرت روایات مدح از نظر سندی محل تردید است. همچنین با توجه به تعارض آن با روایات مدح که تعداد بیش‌تری را به خود اختصاص داده، تعارض آن با دیگر روایات که بر عدالت، مرجعیت فقهی، سلامت از فرق انحرافی، تبیین اهداف اهل بیت علیهم‌السلام و اجماع بر وثاقت وی دلالت دارد، متن آن نیز مورد تأیید نمی‌باشد. از این‌رو، روایات قدح راجح خواهد بود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

کتابشناسی

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، نوابع الرواة فی رابعة المئات، بیروت، بی‌نا، ۱۹۷۱م.
۲. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن‌علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ش-۱۹۷۱م.
۳. ابن‌داود الحلی، حسن، رجال ابن‌داود، نجف، منشورات مطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ش.
۴. ابن‌شهرآشوب، محمدعلی، معالم‌العلماء، قم، بی‌تا.
۵. ابن‌غضائری، الرجال، احمد بن‌حسین، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، بی‌تا.
۶. ابن‌ندیم بغدادی، محمد بن‌ابی یعقوب، الفهرست، تحقیق: رضا تجدد، بی‌تا.
۷. اردبیلی، محمد بن‌علی، جامع الرواة، مکتبة المحمدی، بی‌جا، بی‌تا.
۸. برقی، احمد بن‌محمد بن‌خالد، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
۹. عاملی، حسن بن‌زین الدین، التحریر الطاووسی، تحقیق: فاضل الجواهری، قم، مکتبة آیت الله مرعشی، ۱۴۱۱ق.
۱۰. تستری، محمد تقی، قاموس‌الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۱. تفرشی، مصطفی بن‌حسین، نقدالرجال، قم، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۱۸ق.
۱۲. جزائری، عبدالله، تذکرة شوشتر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۱۳. حر عاملی، محمد بن‌حسن، تفصیل وسایل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: محمد رازی، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۴. حلی، حسن بن‌یوسف، خلاصه‌الاقوال، بی‌جا، مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۱۵. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳ق.
۱۶. ابن‌ابی حاتم رازی، عبدالرحمن، الجرح و التعدیل، بیروت، دار إحیاءالتراث العربی، ۱۳۷۱ق.
۱۷. زراری، ابوغالب، تاریخ آل زراره، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۹۹ش.
۱۸. همو، رسالة فی آل أعین، تحقیق: محمدعلی موسوی موحد ابطحی، بی‌تا.
۱۹. زرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت، دارالعلم، ۱۹۸۰م.
۲۰. صدوق، محمد بن‌علی، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۵۹ش.
۲۱. طوسی، محمد بن‌حسن، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، تحقیق: مهدی رجایی، بی‌جا، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
۲۲. همو، الفهرست، بی‌جا، مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۲۳. همو، رجال الطوسی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة، ۱۴۱۴ق.
۲۴. همو، الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار، تحقیق: حسن موسوی الخرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۲۵. همو، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن موسوی الخرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۲۶. همو، الغیبة، تحقیق: عبادالله طهرانی، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۷. عاملی، حسن بن‌زین الدین شهید ثانی، منتقی الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۲ش.
۲۸. کحاله، عمررضا، معجم‌المؤلفین، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۹. کلینی، محمد بن‌یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۰. مامقامی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۳۱ق.
۳۱. همو، مقباس‌الهدایة فی علم الدرایة، نجف، مطبعة المرتضویه، ۱۳۴۵ق.
۳۲. قهپایی، زکی الدین عنایت‌الله، مجمع‌الرجال، تحقیق: ضیاءالدین، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۳۳. استرآبادی، محمد بن‌علی، منهج‌المقال فی تحقیق احوال الرجال، قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، بی‌تا.
۳۴. نجاشی، احمد بن‌علی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه المشتهر برجال النجاشی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة، ۱۴۱۶ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]